

(۱) سؤال : از عید اعظم.

جواب : اول عید عصر ۱۳ ماه دوم از اشهر بیان است . یوم اول و تاسع و دوازدهم عید اشتغال به امور حرام است.

(۲) سؤال : از عید مولود.

جواب : مولود اقدس ابھی اول فجر یوم دوم محرم است و یوم اول مولود مبشر است و این دو یک یوم محسوب شده عند الله.

(۳) سؤال : از آیتین.

جواب : "للرجال - إِنَّا كُنَّا لِلَّهِ رَاضُونَ". "للنساء - إِنَّا كُنَّا لِلَّهِ رَاضِيَات".

(۴) سؤال : اگر نفسی سفر کند و میقات رجوع یعنی مدت سفر را معین ننماید و مفقود الخبر و الاثر شود تکلیف ضلع چیست.

جواب : اگر امر کتاب اقدس را شنیده و ترک نموده ضلع یک سال تمام ترخیص نماید و بعد اختیار با اوست در معروف یا اتخاذ زوج و اگر شخص

امر کتاب را نشنیده ضلع صبر نماید تا امر زوج او را خداوند ظاهر فرماید و مقصد از معروف در این مقام اصطبار است.

۵) سؤال : از آیه مبارکه "إِنَّا لَمَّا سَمِعْنَا ضَجِيحَ الدَّرِّيَّاتِ فِي الْأَصْلَابِ زِدْنَا ضَعْفَ مَا لَهُمْ وَ نَقَصْنَا عَنِ الْأُخْرَى".

جواب : موارث در کتاب الهی ۲۵۲۰ سهم شده که جامع کسور تسعه باشد و این عدد هفت قسمت می شود هر قسمتی به صنفی از وراثت می رسد چنانچه در کتاب مذکور است از جمله کتاب طاء نُه شصت که عدد مقت میشود مخصوص ذریه مشخص شده و معنی قوله تعالی "زدنا ضعف مَا لَهُمْ" یک مثل آن بر آن افزودند عدد دو طاء میشود و آنچه زیاد شد از سایرین کم می شود مثلاً نازل شده "و للازواج من الحاء علی عدد التاء و الفاء" یعنی هشت شصت که عدد تاء و فاء می شود از برای ازواج مقدر شده حال شصت و نصف شصت که عدد ۹۰ می شود از ازواج کم شده و بر ذریه افزوده و همچنین الی الاخر که عدد آنچه کم شد ۹ شصت می شود که بر ۹ شصت اول افزوده شده.

٦) سؤال : از میراث اخ یعنی اگر برادر از طرف مادر و پدر هر دو باشد وارث است یا از یک طرف هم که باشد وارث است.

جواب : اگر برادر از طرف اب باشد حقّ او علی ما ذکر فی الکتاب به او می رسد و اگر از طرف اُمّ باشد ثلث حقّ او به بیت العدل راجع است و دو ثلث به او و کذلک فی الأخت.

٧) سؤال : در باب ارث مقرر شده که اگر ذریه موجود نباشد حقوق ایشان به بیت العدل راجع است هر یک از سایر طبقات هم هر گاه موجود نباشد مثل اب و اُمّ و یا اخ و اخت و معلّم حقوق آنها راجع به بیت العدل است و یا قسم دیگر است.

جواب : آیه مبارکه کافی است قوله تعالی "من مات و لم یکن له ذریّه ترجع حقوقهم الی بیت العدل الخ و الذی له ذریّه و لم یکن ما دونها عمّا حدّد فی الکتاب یرجع الثلثان ممّا ترکه الی الذریّه و الثلث الی بیت العدل الخ" یعنی اگر کسی بمیرد و ذریه نداشته باشد حقوق ذریه به بیت العدل راجع است و اگر ذریه باشد و سایرین از ورّاث نباشند دو ثلث از میراث به ذریه می رسد و ثلث آخر به بیت العدل راجع این حکم در کُلّ و بعض هر دو جاری

است یعنی هر کدام از سایر وراث نباشند دو ثلث به ذریه راجع و ثلث به بیت عدل.

### ۸) سؤال : از نصاب حقوق الله.

جواب : نصاب حقوق الله ۱۹ مثقال از ذهب است یعنی بعد از بلوغ نقود به این مقدار حقوق تعلق می گیرد و اما سایر اموال بعد از بلوغ آن به این مقام قیمة لا عدداً و حقوق الله یک مرتبه تعلق می گیرد مثلاً شخصی مالک شد هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال دیگر حقّ الله تعلق نمی گیرد مگر بر آنچه به تجارات و معاملات و غیر هما بر آن بیفزاید و به حدّ نصاب برسد یعنی منافع محصوله از آن در این صورت بما حکم به الله باید عمل شود الاّ اذ انتقل اصل المال الی ید اخرى اذاً یتعلّق به الحقوق کما تعلق اول مرّة در آن وقت حقوق الهی باید اخذ شود نقطه اولی می فرماید از بهاء کلّ شیء که مالکند باید حقوق الله را ادا نمایند و لکن در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که ما یتحتاج به است.

۹) سؤال : حقوق الله و دیون میّت و تجهیز اسباب کدام مقدّم است.

جواب : تجهیز مقدّم است بعد اداء دیون بعد اخذ حقوق الله و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است به مقتضای دیون قلیلاً و کثیراً قسمت شود.

۱۰) سؤال : در کتاب اقدس نھی از حلق رأس شده و در سوره حجّ امر به آن.

جواب : جمیع مأمورند به کتاب اقدس آنچه در آن نازل آن است حکم الهی ما بین عباد و حلق رأس از قاصدین بیت عفو شده.

۱۱) سؤال : اگر در ایّام اصطبار اقتران واقع شود و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایّام قبل از اقتران از ایّام اصطبار محسوب است و یا آنکه سال را از سر گیرد و آیا بعد از طلاق تربّص لازم است یا نه.

جواب : اگر در ایّام اصطبار الفت بمیان آید حکم زواج ثابت و باید بحکم کتاب عمل شود و اگر ایّام اصطبار منتهی شود و بما حکم به الله واقع گردد تربّص لازم نه و اقتران مرء با مرئه در ایّام اصطبار حرام است و اگر کسی

مرتکب شود باید استغفار کند و ۱۹ مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند.

۱۲) سؤال : بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر اگر کره واقع شود طلاق بدون اصطبار جایز است یا نه.

جواب : بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل از قران اگر اراده طلاق نماید جایز است ایام اصطبار لازم نه ولکن اخذ مهر از مرئه جایز نه.

۱۳) سؤال : معلق بودن امر تزویج به رضایت ابوین از طرف مرد و زن هر دو لازم یا از یک طرف کافی است و در باکره و غیرها یکسان است یا نه.

جواب : تزویج معلق است به رضایت پدر و مادر مرء و مرئه و در باکره و دون آن فرقی نه.

۱۴) سؤال : در صلوات امر به توجه به سمت قبله نازل در اذکار توجه به کدام سمت باید کرد.

جواب : در صلوات حکم قبله ثابت و در اذکار حکم ما أنزله الرحمن فی الفرقان جاری "أینما تولّوا فَتَمَّ وجه الله".

**۱۵) سؤال : از ذکر در مشرق الاذکار فی الاسحار.**

جواب : اگر چه در کتاب الهی ذکر اسحار شده و لکن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الی طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدی الله مقبول است.

**۱۶) سؤال : از حمل جنایز که می فرماید به قدر مسافت یک ساعت حمل شود آیا در برّ و بحر هر دو این حکم جاری است یا نه.**

جواب : در برّ و بحر هر دو این حکم جاری اگر چه ساعت کشتی بخار باشد و یا ساعت سگّه حدید. مقصد مدّت یک ساعت است دیگر به هر نحو باشد ولکن هر چه زودتر دفن شود احب و اولی است.

**۱۷) سؤال : در باب گم شده که بعد از یافتن چگونه معمول شود.**

جواب : اگر در شهر یافت شود یک بار منادی ندا کند و اخبار دهد اگر صاحب آن یافت شد تسلیم نماید و الا یک سینه صبر کند اگر صاحب آن یافت شد آنچه مصروف منادی نموده اخذ و مال را تسلیم کند و اگر یک سینه گذشت و صاحبش معلوم نشد در آن تصرّف نماید و اگر گم شده از مصروف منادی کمتر و یا مثل آن باشد پس از یافتن یک روز صبر کند اگر صاحبش یافت نشد تصرّف نماید. و اگر در صحرا یافته سه روز صبر کند اگر صاحبش معلوم نشد تصرّف نماید.

۱۸) سؤال : در باب وضو اگر شخصی مثلاً به حمام رود و تمام بدن را بشوید باز وضو باید گرفت یا نه.

جواب : در هر حال باید حکم وضو را مجری دارد.

۱۹) سؤال : اگر شخصی در خیال جلای وطن باشد بالفرض و اهل او راضی نشود و منجر به طلاق گردد و ایّام تدارک سفر طول کشد تا یک سینه آیا از ایّام اصطبار محسوب است و یا آنکه از یوم مفارقت باید حساب شود و یک سینه صبر نماید.



جواب : اصل حساب از یوم مفارقت است ولکن اگر قبل از مسافرت به یک سال مفارقت نمایند و عرف محبت متضوع نگردد طلاق واقع و الا از یوم مسافرت حساب نماید تا انقضای یک سنه به شروطی که در کتاب اقدس نازل شده.

### ۲۰) سؤال : از بلوغ در تکالیف شرعیّه.

جواب : بلوغ در سال پانزده است نساء و رجال در این مقام یکسان است.

### ۲۱) سؤال : از آیه مبارکه "فی الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوة سجدة واحدة".

جواب : این سجده قضای نمازی است که در اثنای حرکت و مواقع نا امن فوت شده و اگر در وقت نمازی در جای امن مستریح باشد باید همان نماز موقوف را به جای آورد و این حکم که در قضا نازل در سفر و حضر هر دو یکسان است.

**(۲۲) سؤال : از تعیین سفر.**

جواب : تعیین سفر نه ساعت از قرار ساعت مصنوع و اگر مسافر در جائی توقّف کند و معین باشد توقّف او تا یک شهر بیان باید صائم شود و اگر اقلّ از یک شهر باشد صوم بر او نیست و اگر در بین شهر صوم وارد شود به جائی که یک شهر بیانی در آن جا توقّف می نماید باید سه روز افطار کند و بعد از آن ما بقی ایام صوم را صائم شود و اگر به وطن خود رسد که دائم الاقامه در آن جا بوده است باید همان یوم اول ورود صائم شود.

**(۲۳) سؤال : از جزای زانی و زانیه.**

جواب : دفعه اولی ۹ مثقال ثانی ۱۸ مثقال ثالث ۳۶ مثقال الی آخر دو مقدار جزای سابق و مثقال نوزده نخود است چنانچه در بیان نازل شده.

**(۲۴) سؤال : از صید.**

جواب : قوله تعالى " اذا ارسلتم الجوارح الخ " اقسام دیگر هم در آن داخل است چون تفنگ و تیر و غیرهما از هر نوع آلات که به آن صید می کنند ولکن اگر با دام صید شود و تا وصول به آن مرده باشد حرام است.

(۲۵) سؤال : از حجّ.

جواب : حجّ یکی از دو بیت واجب دیگر بسته به میل شخصی است که عزیمت حجّ نموده.

(۲۶) سؤال : از مهر.

جواب : در مهر اقتناع به درجه اولی مقصود از آن ۱۹ مثقال نقره است.

(۲۷) سؤال : از آیه مبارکه " و ان اتاهما خیر الموت الخ".

جواب : مراد از لبث اشهر معدودات ۹ ماه است.

(۲۸) سؤال : مجدد از سهم میراث معلّم استفسار شده بود.

جواب : اگر معلّم مرده باشد ثلث سهم او به بیت العدل راجع و دو ثلث دیگر به ذریه میّت نه معلّم.

**(۲۹) سؤال : مجدد از حجّ استفسار شده بود.**

جواب : حجّ بیت که بر رجال است بیت اعظم در بغداد و بیت نقطه در شیراز مقصود است هر یک را که حجّ نمایند کافی است هر کدام نزدیکتر به هر بلد است اهل آن بلد آن را حجّ نمایند.

**(۳۰) سؤال : از آیه "من اتّخذ بکراً لخدمته لا بأس".**

جواب : محض از برای خدمت است چنانکه صغار و کبار دیگر را اجرت می دهند برای خدمت و آن بکر هر وقت که خواهد زوج اختیار کند اختیار با نفس اوست چه که خریدن اماء حرام و زیاده بر دو زوجه هم حرام است.

**(۳۱) سؤال : از آیه مبارکه "قد نهاکم الله عمّا عملتم بعد طلاقات ثلث".**

جواب : مقصود حکم قبل است که باید دیگری آن را تزویج نموده بعد بر او حلال شود در کتاب اقدس نھی از این عمل نازل.

**(۳۲) سؤال : از ارتفاع بیتین در مقامین و مقامات مستقرّ عرش.**

جواب : مقصود از بیتین بیت اعظم و بیت نقطه است و مقامات دیگر به اختیار اهل آن بلد است هر بیتی را که محلّ استقرار شده مرتفع نمایند یا یک بیت را اختیار کنند.

**(۳۳) سؤال : مجدد از ارث معلّم استفسار شده بود.**

جواب : اگر معلّم از غیر اهل بهاء است ابداً ارث نمی برد و اگر معلّم متعدّد باشد میانشان بالسّویّه قسمت می شود و اگر معلّم وفات نموده باشد به اولاد او ارث نمی رسد بلکه دو ثلث ارث به اولاد صاحب مال و یک ثلث به بیت عدل راجع.

**(۳۴) سؤال : از بیت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است.**

جواب : اگر بیت مسکون متعدّد باشد اعلی و اشرف آن بیوت مقصود است و مابقی مثل سایر اموال است که باید بین کل قسمت شود و هر یک از طبقات وراثت که خارج از دین الهی است حکمش حکم معدوم است و ارث نمی برد.

### ۳۵) سؤال : در باب نوروز.

جواب : هر روز که شمس تحویل بحمل شود همان یوم عید است اگر چه یک دقیقه به غروب مانده باشد.

### ۳۶) سؤال : اگر عید مولود و یا مبعث در صیام واقع شود حکمش چیست.

جواب : اگر عید مولود و یا مبعث در ایّام صیام واقع شود حکم صوم در آن یوم مرتفع است.

۳۷) سؤال : در احکام الهیّه در باب ارث، دار مسکونه و البسه مخصوصه را از برای ذکران ذرّیه مقرر فرموده‌اند بیان شود که این حکم در مال اب است و یا در مال امّ هم همین حکم جاری است.

جواب : البسه مستعمله امّ ما بین بنات بالسّویّه قسمت شود و سایر اشیاء از ملک و حلی و البسه غیر مستعمله کل از آن قسمت می برند به قسمی که در کتاب اقدس نازل شده و در صورت عدم وجود بنت جمیع مال کما نزل فی الرّجال باید قسمت شود.

۳۸) سؤال : در باب طلاق که باید صبر شود یک سنه اگر رائحه رضا و میل بوزد از یک طرف و طرف دیگر نوزد چگونه است حکم آن.

جواب : حکم به رضایت طرفین در کتاب اقدس نازل اگر از هر دو طرف رضایت نباشد اتّفاق واقع نه.

۳۹) سؤال : در مهر و رقات هر گاه نقد و دفعة واحده نباشد به عنوان قبض مجلس رد شود و دست به دست شود و بعد از امکان به ضلع رد نماید چگونه است.

جواب : اذن به این فقره از مصدر امر صادر.

۴۰) سؤال : در مدّت اصطبار هر گاه متضوّع شود رائحه حبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف سنه گاه کراهت و گاه میل و در حالت کراهت سنه به آخر رسد در این صورت افتراق حاصل است یا نه.

جواب : در هر حال هر وقت کراهت واقع شود از یوم وقوع ابتدای سنه اصطبار است و باید سنه به آخر رسد.

۴۱) سؤال : دار مسکونه و البسه مخصوصه مخصوص ذرّیه ذکور است "دون الاناث و الوراث" هر گاه ذرّیه ذکور نباشد تکلیف چیست.

جواب : قوله تعالی "من مات و لم یکن له ذرّیّة ترجع حقوقهم الی بیت العدل". نظر به این آیه مبارکه دار مسکونه و البسه مخصوصه به بیت العدل راجع است.



۴۲) سؤال : در کتاب اقدس حقوق الله نازل. آیا بیت مسکون و متروکات آن و مایحتاج جزو اموالی است که حقوق بر آن ثابت میشود یا نوع دیگر است.

جواب : در احکام فارسیّه می فرماید "در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنی اسبابی که مایحتاج به است".

۴۳) سؤال : در باب نامزد کردن بنت قبل از بلوغ .

جواب : حرمت آن از مصدر امر نازل و بیش از نود و پنج روز قبل از نکاح ذکر وصلت حرام است.

۴۴) سؤال : اگر بالفرض اموال شخصی صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف این مبلغ تلف شود باز به تجارت به نصاب رسد حقوق باید داد یا نه.

جواب : در این صورت حقوق بر آن تعلق نمیگیرد.

۴۵) سؤال : اگر مبلغ معهود به کلی بعد از اداء حقوق تلف شود و دفعه دیگر از کسب و تجارت همین مبلغ حاصل شود حقوق ثانی باید داد یا نه.  
جواب : در این صورت هم حقوق ثابت نه.

۴۶) سؤال : از آیه مبارکه " کتب علیکم النکاح " این حکم واجب است یا نه.  
جواب : واجب نه.

۴۷) سؤال : اگر شخصی باکره را نکاح کرد و مهریه را هم تسلیم کرد هنگام اقرار معلوم شد که باکره نیست آیا مصروف و مهریه بر می گردد یا نه و اگر به شرط باکره بودن نکاح شد آیا فساد شرط سبب فساد مشروط میشود یا نه.

جواب : در این صورت مصروف و مهریه بر می گردد و فساد شرط علت فساد مشروط است ولکن اگر در این مقام ستر و عفو شامل شود عند الله سبب اجر عظیم است.

(۴۸) سؤال : "رقم علیکم الضیافة" واجب است یا نه.

جواب : واجب نه.

(۴۹) سؤال : از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادیر آن.

جواب : تعیین مقادیر حد به بیت العدل راجع است.

(۵۰) سؤال : از حلّیت و حرمت نکاح اقارب.

جواب : این امور هم به امنای بیت العدل راجع است.

(۵۱) سؤال : در باب وضو "من لم یجد الماء ینکر خمس مرّات بسم الله

الاطهر الاطهر" در شدّت سرما و یا جراحت ید و وجه خواندن ذکر جایز

است یا نه.

جواب : در شدّت سرما به آب گرم و در وجود جراحت ید و وجه و مانع

آخر از قبیل اوجاع که استعمال آب مضرّ باشد ذکر معهود را بدل وضو

تلاوت نماید.

۵۲) سؤال : ذکر که در عوض صلوات آیات نازل شده واجب است یا نه.

جواب : واجب نه.

۵۳) سؤال : در باب ارث مع وجود اخ و اخت ابی و امی اخ و اخت امی

هم سهم می برند یا نه.

جواب : سهم نمی برند.

۵۴) سؤال : قوله تعالی "انّ الذی مات فی ایام والده و له ذرّیة اولئک

یرثون ما لابیهم". اگر دختر در ایام پدر فوت شود حکمش چیست.

جواب : میراث او به حکم کتاب به هفت سهم منقسم می شود.

۵۵) سؤال : اگر میّت زن باشد سهم زوجه به که راجع.

جواب : سهم زوجه به زوج راجع.

۵۶) سؤال : در باب کفن میّت به پنج ثوب امر شده آیا مقصود از این پنج پنج پارچه است که در قبل معمول می شد و یا آنکه مراد سرتاسری جوف هم است.

جواب : مقصود پنج پارچه است.

۵۷) سؤال : آیات مُنزله بعضی با هم فرق دارد.

جواب : بسیاری از الواح نازل شد و همان صورت اولیّه من دون مطابقه و مقابله باطراف رفته لذا حسب الامر به ملاحظه آنکه معرضین را مجال اعتراض نماند مکرّر در ساحت اقدس قرائت شد و قواعد قوم در آن اجرا گشت و حکمت دیگر چون در قاعده جدیده به حسب بیان حضرت مبشّر روح ما سواه فداه قواعد بسیار وسیع ملاحظه شد لذا به جهت سهولت و اختصار نازل شد آنچه با اکثر مطابق است .

۵۸) سؤال : از آیه مبارکه " و فی الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوة سجدة واحدة " قضای نمازی است که به علّت عدم امنیت فوت شده یا به کلّی در سفر صلوات ساقط است و سجده بجای آن است.

جواب : اگر وقت صلات برسد و امنیت نباشد بعد از وصول به مکان امن هر قدر فوت شده به جای هر یک یک بار سجده نماید و بعد از سجده اخیره بر هیکل توحید نشسته ذکر معهود را قرائت نماید. در سفر اگر موقع امن باشد صلات ساقط نه.

۵۹) سؤال : پس از نزول و استراحت هر گاه وقت صلات باشد صلات معین است و یا باید در عوض صلات سجده نماید.  
جواب : جز در مواقع ناامن ترک صلات جایز نه.

۶۰) سؤال : هر گاه سجده صلوات فائده متعدّد باشد تعدّد ذکر بعد از سجده لازم است یا نه.  
جواب : بعد از سجده اخیره خواندن ذکر معهود کافی است به تعدّد سجده تعدّد ذکر لازم نه.

۶۱) سؤال : در حضر اگر صلات فوت شود عوض فائده سجده لازم است یا نه.

جواب : در جواب سؤالات قبل مرقوم این حکم که در قضا نازل در سفر و حضر هر دو یکسان است.

۶۲) سؤال : هر گاه لاجل امر آخر وضو گرفته باشد و وقت صلوات مصادف شود همان وضو کافی است و یا تجدید لازم.

جواب : همان وضو کافی است تجدید آن لازم نه.

۶۳) سؤال : در کتاب اقدس صلوات ۹ رکعت نازل که در زوال و بکور و اصیل معمول رود و این لوح صلوات مخالف آن بنظر آمده.

جواب : آنچه در کتاب اقدس نازل صلوات دیگر است ولکن نظر به حکمت در سنین قبل بعض احکام کتاب اقدس که از جمله آن صلوات است در ورقه اخیری مرقوم و آن ورقه مع آثار مبارکه به جهت حفظ و ابقای آن به جهتی از جهات ارسال شده بود و بعد این صلوات ثلاث نازل.

۶۴) سؤال : در تعیین وقت اتکال به ساعت جایز است یا نه.

جواب : اتکال به ساعت جایز است.

۶۵) سؤال : در ورقه صلوات سه صلوات نازل آیا هر سه واجب است یا نه.

جواب : عمل یکی از این صلوات ثلاث واجب هر کدام معمول رود کافی است.

۶۶) سؤال : وضوی بامداد در زوال مجری است و کذا وضوی زوال از برای اصیل یا نه.

جواب : وضو مربوط به نماز است در هر صلوات باید تجدید شود.

۶۷) سؤال : در صلوات مبسوط که فرمایش رفته بایستد مقبلاً الی الله چنین می نماید که قبله لازم نباشد چنین است یا نه.

جواب : مقصود قبله است.

۶۸) سؤال : از آیه مبارکه "اتلوا آیات الله فی کلّ صباح و مساء".



جواب : مقصود جمیع ما نزل من ملکوت البیان است. شرط اعظم میل و محبت نفوس مقدّسه است به تلاوت آیات. اگر یک آیه و یا یک کلمه به روح و ریحان تلاوت شود بهتر است از قرائت کتب متعدّده.

۶۹) سؤال : آیا شخص می تواند در کتاب وصیّت از اموال خود چیزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر اداء حقوق الله و حقوق ناس یا آنکه جز مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّی ندارد و ما بقی اموال کما فرض الله به وراثت میرسد.

جواب : انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفق شود و همچنین حقّ الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیّت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بأن يفعل فیما ملّک الله کیف یشاء.

۷۰) سؤال : وضع خاتم که در کتاب اقدس نازل شده مخصوص کبار است یا صغار هم داخلند.

جواب : مخصوص کبار است و همچنین صلوات میّت آن هم مخصوص کبار است.

(۷۱) سؤال : در غیر شهر علاء اگر نفسی خواسته باشد صائم شود جایز است یا نه و اگر نذر و عهد کرده باشد که صائم شود مجری و ممضی است یا نه.

جواب : حکم صوم از همان قرار است که نازل شده ولیکن اگر نفسی عهد نماید که لله صائم شود به جهت قضاء حاجات و دون آن بأسی نبوده و نیست ولیکن حقّ جلّ جلاله دوست داشته که عهد و نذر در اموری که منفعت آن به عباد الله می رسد واقع شود.

(۷۲) سؤال : مجدد سؤال شده دار مسکونه و البسه مخصوصه در صورت عدم وجود ذکران از ذرّیه راجع به بیت العدل است یا مثل سایر اموال تقسیم می شود.

جواب : دو ثلث خانه و البسه مخصوصه به اناث از ذرّیه راجع و ثلث الی بیت العدل الذی جعله الله مخزن الامّة.

۷۳) سؤال : هر گاه زمان اصطبار منقضی شود و زوج از طلاق دادن امتناع نماید تکلیف ضلع چیست.

جواب : بعد از انقضای مدّت طلاق حاصل ولکن در ابتدا و انتها شهود لازم که عند الحاجة گواهی دهند.

۷۴) سؤال : از حدّ هرم.

جواب : نزد اعراب اقصی الکبر و نزد اهل بهاء تجاوز از سبعین.

۷۵) سؤال : از حدّ صوم مسافر پیاده.

جواب : حدّ آن دو ساعت مقرر شده اگر بیشتر شود افطار جایز.

۷۶) سؤال : از صوم نفوسی که در شهر صیام به اشغال شاقّه مشغولند.

جواب : صیام نفوس مذکوره عفو شده ولکن در آن ایام قناعت و ستر لاجل احترام حکم الله و مقام صوم اولی و احبّ.

۷۷) سؤال : با وضوی صلوات تلاوت ذکر ۹۵ مرتبه اسم اعظم جایز است یا نه.

جواب : تجدید وضو لازم نه.

۷۸) سؤال : در باب البسه و حلی که شخص از برای ضلع می گیرد هرگاه متوقی شود ما بین وراثت قسمت می شود یا مخصوص است بضلع.

جواب : غیر از البسه مستعمله هر چه باشد از حلی و غیره راجع به زوج است مگر آنچه به اثبات معلوم شود به زوجه بخشیده شده.

۷۹) سؤال : از حدّ عدالت در مقامی که اثبات امر به شهادت عدلین می شود.

جواب : حدّ عدالت نیکوئی صیت است بین عباد و شهادت عباد الله از هر حزبی لدی العرش مقبول.

۸۰) سؤال : هرگاه شخص متوقی حقوق الله یا حقّ الناس بر ذمه او باشد از بیت مسکون و البسه مخصوصه و سایر اموال بالتّسبیه باید ادا شود یا

آنکه بیت و البسه مخصوص ذکران است و دیون باید از سایر اموال داده شود و هر گاه سایر ترکه وفا نکند به دیون چگونه معمول شود.

جواب : دیون و حقوق از سایر اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسه مخصوصه ادا شود.

(۸۱) سؤال : صلوات ثالث را نشسته باید به جا آورد یا ایستاده.

جواب : القیام مع الخضوع اولی و احب.

(۸۲) سؤال : صلوات اولی را که می فرماید هر هنگام و هر وقت که انسان در خود حالت اقبال و خضوع مشاهده نماید به عمل آورد در شب و روزی یک بار یا ازمنه دیگر حکمش چگونه است.

جواب : در شب و روزی یک بار کافی است هذا ما نطق به لسان الامر.

(۸۳) سؤال : از تعیین بکور و زوال و اصیل.

جواب : حین اشراق الشمس و الزوال و الغروب و مهلت صلوات صبح الی زوال و من الزوال الی الغروب و من الغروب الی ساعتین الامر بید الله صاحب الاسمین.

۸۴) سؤال : قران با مشرکین جایز است یا نه.

جواب : اخذ و عطا هر دو جایز هذا ما حکم به الله اذ استوی علی عرش الفضل و الکرم.

۸۵) سؤال : از وقت نماز میت قبل از دفن و یا بعد از آن و توجّه به قبله لازم است یا نه.

جواب : اداء صلوات قبل از دفن و اما القبلة "اینما تولّوا فثمّ وجه الله".

۸۶) سؤال : در زوال که وقت دو نماز است یکی شهادت حین زوال و یکی نماز دیگر که در زوال و بکور و آصال باید کرده شود اینهم دو وضو لازم دارد و یا آنکه در این مورد مخصوص یک وضو کافی است.

جواب : تجدید لازم نه.

۸۷) سؤال : در مهر اهل قری که فضّه تعیین شده به اعتبار زوج است یا زوجه و یا هر دو و در صورت اختلاف که یکی شهری و دیگری از قری باشد چه باید کرد.

جواب : مهر به اعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قری است فضّه.

۸۸) سؤال : میزان شهری و دهاتی به چه حد است. هر گاه شهری هجرت به ده نماید و یا دهاتی هجرت به شهر کند و قصد توطن نماید حکمش چگونه است. و کذلک محلّ تولّد میزان است یا نه.

جواب : میزان توطن است هر جا وطن نماید مطابق حکم کتاب رفتار شود.

۸۹) سؤال : در الواح الهیّه نازل شده هر گاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حق الله را از آن ادا نماید. بیان شود از نوزده چه قدر داده شود.

جواب : حکم الله در صد نوزده معین شده از آن قرار حساب نمایند معلوم می شود بر نوزده چه مقدار تعلق میگیرد.

۹۰) سؤال : هرگاه مال از نوزده تجاوز نماید باید به نوزده دیگر برسد یا بر زیاده هم تعلق می گیرد.

جواب : هر چه بر نوزده بیفزاید حقوق تعلق نمی گیرد الا به نوزده دیگر برسد.

۹۱) سؤال : از ماء بکر و حدّ مستعمل آن.

جواب : آب قلیل مثل یک کأس یا دو مقابل یا سه مقابل آن دست و رو در آن شستن از مستعمل مذکور ولکن اگر به حدّ کُر برسد از تغسیل یک وجه یا دو وجه تغییر نمی نماید و در استعمال آن باسی نبوده و نیست و اگر یکی از اوصاف ثلاثه در او ظاهر شود یعنی فی الجملة لون آب تغییر نماید از مستعمل محسوب است.



۹۲) سؤال : حدّ بلوغ شرعی در رساله مسائل فارسیّه سنه ۱۵ تعیین شده.  
آیا زواج نیز مشروط به بلوغ است یا قبل از آن جایز.

جواب : چون در کتاب الهی رضایت طرفین نازل و قبل از بلوغ رضایت و عدم آن معلوم نه در این صورت زواج نیز به بلوغ مشروط و قبل از آن جایز نه.

۹۳) سؤال : از صوم و صلوات مریض.

جواب : به راستی می گویم از برای صوم و صلوات عند الله مقامی است عظیم و لکن در حین صحّت فضلش موجود و عند تکسّر عمل به آن جایز نه. این است حکم حقّ جلّ جلاله از قبل و بعد. طوبی للسامعین و السامعات و العاملين و العاملات الحمد لله منزل الایات و مظهر البیّنات.

۹۴) سؤال : از مساجد و صوامع و هیاکل.

جواب : آنچه از مساجد و صوامع و هیاکل که مخصوص ذکر حقّ بنا شده ذکر غیر دون او در آنها جایز نه. این است از حدود الهی و الذی تجاوز انه

من المعتدین. بر بانی باسی نبوده و نیست چه که عمل او لله بوده و به اجر خود رسیده و خواهد رسید.

۹۵) سؤال : اسباب دکان که به جهت کسب و شغل لازم است باید حقوق الله از آنها داده شود یا آنکه حکم اسباب بیت را دارد.  
جواب : حکم اثاث بیت بر آن جاری.

۹۶) سؤال : در باره تعویض و تبدیل امانات از جنس به نقد و غیره حفظاً عن التّضییع.

جواب : اینکه در باره امانات و تعویض آن حفظاً عن التّضییع نوشتند در این صورت تعویض جایز تعویضی که معادل آن را برساند انّ ربّک هو المبیّن العلیم و الامر القدیم.

۹۷) سؤال : در تغسیل رجل شتا و صیف.

جواب : یک حکم دارد در هر دو آب فاتر ارجح است و در استعمال آب بارد هم باسی نه.

### ۹۸) و دیگر سؤال از طلاق نموده.

جواب : چون حقّ جلّ جلاله طلاق را دوست نداشته در این باب کلمه ای نازل نشده ولکن از اول فصل الی انتهای سنه واحده باید دو نفس مطّلع باشند او ازید و هم شهداء. اگر در انتها رجوع نشد طلاق ثابت. باید حاکم شرعی بلد که از جانب امنای بیت العدل است در دفتر ثبت نماید. ملاحظه این فقره لازم است لئلا یحزن به افئدة اولی الالباب .

### ۹۹) سؤال : در باره مشورت.

جواب : اگر در نفوس مجتمعه اولی اختلاف حاصل نفوس جدیده ضمّ نمائید و بعد بحکم قرعه به عدد اسم اعظم یا اقل یا اکثر از آن انتخاب نمائید و مجدد مشورت ما ظهر منه هو المطاع و اگر هم اختلاف شد زین الاثنین بالثلاث و خذ الاقوی انه یهدی من یشاء الی سوء الصراط.

### ۱۰۰) سؤال : از ارث.

جواب : در باب ارث آنچه نقطه اولی روح ما سواه فداه به آن امر فرموده اند همان محبوب است. آنچه از اولو القسمة موجودند قسّموا بینهم اموالهم و ما دون آن باید به ساحت اقدس عرض شود. الامر بیده یحکم کیف یشاء. در این مقام در ارض سرّ حکمی نازل و قسمت نفوس مفقوده موقتاً به ورّاث موجوده راجع الی ان یحقّق بیت العدل. بعد از تحقّق حکم آن ظاهر خواهد شد و لکن المهاجرین الذین هاجروا فی سنة التّی فیها هاجر جمال القدم میراثهم یرجع الی ورّاثهم . هذا من فضل الله علیهم.

### ۱۰۱) سؤال : از حکم دفینه.

جواب : اگر دفینه یافت شود یک ثلث حقّ نفسی است که یافته و دو ثلث دیگر را رجال بیت عدل در مصالح عموم عباد صرف نمایند و این بعد از تحقّق بیت عدل است و قبل از آن به نفوس امینه در هر بلد و دیار راجع آنّه لهو الحاکم الأمر العلیم الخبیر.

### ۱۰۲) سؤال : از حقوق ملکی که منفعت از آن عاید نمی شود.

جواب : حکم الله آنکه ملکی که انتفاع آن مقطوع است یعنی نفعی از آن حاصل نمی شود حقوق بر آن تعلق نمی گیرد و آنه لهُو الحاکم الکریم.

۱۰۳) سؤال : از آیه مبارکه "و البلدان الّتی طالت فیها اللّیالی و الایّام فلیصلّوا بالسّاعات الخ".

جواب : مقصود بلاد بعیده بوده، این اقالیم طول و غیر آن ساعات قلیله و این خارج از حکم است.

۱۰۴) در لوح ابا بدیع این آیه مبارکه نازل "إِنَّا کتبتنا لکلّ ابن خدمة ایبه کذلک قدرنا الامر فی الکتاب".

۱۰۵) در لوحی از الواح نازل قوله تعالی "یا محمّد وجه قدم به تو متوجّه و ترا ذکر می نماید و حزب الله را وصیت می فرماید به تربیت اولاد. اگر والد در این امر اعظم که از قلم مالک قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید حق پدری ساقط شود و لدی الله از مقصّرین محسوب طوبی از برای

نفسی که وصایای الهی را در قلب ثبت نماید و به او متمسک شود آنه یامر العباد بما یؤیدهم و ینفعهم و یقرّبهم الیه و هو الأمر القدیم".

۱۰۶) هو الله تعالی شأنه العظمة و الاقتدار جمیع انبیا و اولیا از نزد حقّ جلّ جلاله مأمور بوده‌اند که اشجار وجود انسانی را از فرات آداب و دانائی سقایه نمایند تا از کل ظاهر شود آنچه که در ایشان به نفس ایشان من عند الله ودیعه گذاشته شده. هر درختی را ثمری مشهود چنانچه مشاهده می شود. شجر بی ثمر لایق نار است و مقصود از آنچه فرموده‌اند و تعلیم داده‌اند حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در یوم الهی به اصول الله تمسک جست و از قانون حقیقی انحراف نجست. اثمار سدره وجود امانت و دیانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور ان انظر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تعالی "و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً" ملاحظه نمائید احسان به والدین را با توحید مقترن فرموده طوبی لکلّ عارف

حکیم یشهد و یری و یقرء و یعرف و یعمل بما انزله الله فی کتب القبل و فی  
هذا اللوح البدیع.

۱۰۷) در لوحی از الواح نازل قوله تعالی " و درباره زکات هم امر نمودیم کما  
نزل فی الفرقان عمل نمایند".